

بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع

شهین شیخ سنگ تجن

استادیار - عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

راضیه مشهدی نژاد

کارشناس ارشد زبان‌شناسی - دانشگاه پیام نور

چکیده

در این پژوهش ضمن بررسی نظریات مختلف دستوریان و زبان‌شناسان درباره فعل و طبقه‌بندی آن، به تحلیل و بررسی افعال کنشی زبان فارسی بر پایه دستور نقش و ارجاع که از دستورهای نقش‌گرا است، پرداخته‌ایم. در دستور نقش‌گرا، نقش ارتباطی زبان در تحلیل ساختار آن بسیار مهم است. بر این اساس یکی از نقش‌های اصلی زبان، ارجاع و بیان گزاره، و بیان شرکت‌کنندگان موجود در آن است. در دستور نقش و ارجاع، افعال بر اساس نمود واژگانی طبقه‌بندی می‌شوند. آزمون‌های اصلاح شده نحوی و معنایی دوتی برای طبقه‌بندی افعال در دستور نقش و ارجاع توسط ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) ارائه شد. این آزمون‌ها به دنبال ویژگی‌های نمودی جهانی افعال می‌باشند. براساس این آزمون‌ها، افعال به چهار طبقه ایستا، کنشی (حرکتی)، پایا (تداومی) و لحظه‌ای (گذرا) تقسیم‌بندی شده‌اند، که براساس ویژگی‌های زمانی از یکدیگر متمایز می‌شوند. بر اساس آزمون‌های نحوی و معنایی موجود در این دستور که در اختیار تعداد پنجاه نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش قرار گرفته است، مجموعه‌ای از افعال کنشی زبان فارسی گردآوری شده است. روش این پژوهش تحلیلی توصیفی است. نتایج نشان داده است که آزمون‌های نحوی و معنایی دستور نقش و ارجاع در تعیین طبقه افعال کنشی با ویژگیهای افعال کنشی زبان فارسی کاملاً مطابقت دارد. همچنین افعال کنشی می‌توانند در ساختار جمله خود دارای یک یا دو موضوع باشند که در صورت وجود موضوع دوم برحسب اینکه موضوع‌های آنها ارجاعی یا غیرارجاعی باشد، در نوع کنش فعل تأثیرگذار خواهد بود. نتایج نشان داده است که افعال کنشی ضرورتاً دارای موضوع‌های دوم غیرارجاعی هستند چون موضوع‌های آنها فاقد کلان نقش معنایی بوده و در نتیجه نمی‌توانند کنش پذیر باشند و به عبارت دیگر این موضوع‌ها دخیل در رویداد نیستند بلکه قسمتی از توصیف محمولند. اما هنگامی که این افعال موضوع‌های ارجاعی می‌گیرند، نوع کنش فعل آنها تغییر یافته و از حالت کنشی به حالت تداومی تغییر می‌یابند که در این صورت در گروه افعال تداومی (پایا) جای می‌گیرند.

واژگان کلیدی: فعل کنشی، نمود واژگانی، دستور نقش و ارجاع، موضوع ارجاعی و غیرارجاعی، کلان نقش معنایی

۱. مقدمه

بررسی اجزای جمله یکی از مسائل مورد توجه در حوزه صرف، نحو و معنی‌شناسی است. در دستور زبان، فعل یکی از اجزای مهم جمله محسوب می‌شود که به عنوان هسته گروه فعلی در جملات شرکت می‌کند. یکی از دلایل بررسی فعل در دستور زبانها، جنبه همگانی و جهانی بودن آن است (لاینز، ۱۹۸۶). به این معنا که در همه زبان‌ها بدون استثنا فعل وجود دارد ولی وجود صفت یا عدد در همه زبان‌ها الزامی نیست و زبان‌هایی وجود دارند که این دو مقوله نحوی را ندارند.

دستورنویسان و زبان‌شناسان هریک از جهات مختلفی افعال را طبقه‌بندی کرده‌اند مانند طبقه‌بندی افعال از نظر ساختمان فعل یا طبقه‌بندی از نظر معنی، حالت و نمود. نمود بیانگر شیوه‌های مختلف نگرش به ساختار زمانی درونی فعل است که به صورت نمود دستوری و نمود واژگانی ظاهر می‌شود. نمود دستوری با عناصر تصریفی در فعل نمایان می‌شود، در حالی که نمود واژگانی به ساختار معنایی افعال واژگانی مربوط می‌شود. دستور نقش و ارجاع^۱ به عنوان یک دستور نقش گرا، افعال را براساس نمود واژگانی طبقه‌بندی کرده است.

در دستور نقش گرا، نقش ارتباطی زبان در تحلیل ساختار آن بسیار اهمیت دارد و یکی از نقش‌های اصلی زبان، ارجاع و بیان گزاره^۲، یعنی بیان آنچه که در جهان اطراف رخ می‌دهد و نیز بیان شرکت‌کنندگان موجود در آن است (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷). به طور کلی در نظریه‌های نقش‌گرا، چهار وضع موجود^۳ در مطالعات زبان‌شناسی از یکدیگر قابل تمایز است که عبارتند از: حالت، رخداد، فرایند و کنش. ابزارهای زبانی برای بیان وضع موجود، افعال و دیگر عناصر گزاره‌ای هستند. در نتیجه معنای فعل به وضع موجودی که بیان می‌کند، مرتبط است (رضایی، ۱۳۹۱).

طبقه‌بندی افعال براساس وضع موجود نخستین بار توسط وندلر (۱۹۵۷) و سپس توسط دوتی (۱۹۷۹) انجام شد. آزمون‌های نحوی و معنایی دوتی برای طبقه‌بندی افعال به صورت اصلاح شده در دستور نقش و ارجاع توسط ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) ارائه شد. این آزمون‌ها به دنبال ویژگی‌های نمودی جهانی افعال می‌باشند. براساس این آزمون‌ها، افعال به چهار طبقه ایستا، کنشی (حرکتی)، پایا (تداومی) و لحظه‌ای (گذرا) تقسیم‌بندی شده‌اند. این چهار دسته از افعال براساس ویژگی‌های زمانی از یکدیگر متمایز شده‌اند (رضایی، ۱۳۹۱ الف) افعال ایستا موقعیتی را نشان می‌دهند که به لحاظ زمانی نامحدودند در حالیکه افعال لحظه‌ای دارای نقطه پایانی درونی‌اند. افعال پایا تغییراتی را نشان می‌دهند که لحظه‌ای نیست و تحقق آنها مستلزم گذر زمان است. افعال کنشی بر وضعیت مشخص پویایی دلالت داشته و به لحاظ زمانی محدود می‌باشند.

به اعتقاد ون‌ولین (۲۰۰۵) زبان‌شناسان اکنون براین باورند که تقسیم‌بندی چهارگانه افعال در دستور نقش و ارجاع جزء همگانی‌های زبان در نظر گرفته می‌شود و مطالعه زبان‌های گوناگون نشان داده است که چنین تقسیم‌بندی دارای اهمیت خاص در نظام فعلی آنهاست.

¹ Role and Reference Grammar

² predicating

³ state of affairs

بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع / ۱۱۹۳

افعال زبان فارسی از این امر مستثنی نبوده و می‌توانند براساس این آزمون‌ها طبقه‌بندی شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. هدف از این پژوهش، بررسی افعال کنشی در زبان فارسی است. افعال کنشی بیانگر وضعیت پویایی بوده و در آن عملی انجام می‌گیرد. همچنین ساختار منطقی افعال کنشی در دستور نقش و ارجاع به صورتی تعریف شده است که ممکن است این افعال دارای یک یا دو موضوع کانونی باشند و در صورت دارا بودن دو موضوع، ممکن است در نوع کنش فعل، تغییری ایجاد شود. این ویژگی نحوی و معنایی منحصر به فرد افعال کنشی در میان دیگر طبقات فعلی، نگارندگان را برآن داشت تا به انجام پژوهشی درباره افعال کنشی زبان فارسی بپردازند. مجموعه حاضر براساس پژوهش‌های رضایی (۱۳۹۱) و (۲۰۱۲) در مورد افعال ایستای زبان فارسی و افعال کنشی دو ظرفیتی صورت گرفته است. رضایی در مقاله‌های خود به تعداد اندکی از افعال کنشی فارسی اشاره نموده است. به نظر می‌رسد برای تحلیل و بررسی افعال کنشی تعداد بیشتری از این افعال مورد نیاز باشد. به همین جهت، نگارندگان به دنبال جمع‌آوری مجموعه‌ای از افعال کنشی زبان فارسی بوده‌اند که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران و فراگیران فارسی زبان و غیرفارسی زبان قرار گیرد. این پژوهش از نوع توصیفی، تحلیلی است و در طی انجام پژوهش به سئوالات زیر پاسخ داده خواهد شد.

۱- آیا ملاک آزمون دستور نقش و ارجاع می‌تواند افعال کنشی را از سایر افعال زبان فارسی متمایز کند و مجموعه‌ای از افعال کنشی گردآوری شود؟

۲- نقش‌های معنایی، موضوع‌ها و حالت‌گذرایی و ظرفیت‌پذیری افعال کنشی فارسی براساس دستور نقش و ارجاع چگونه تبیین می‌شود؟

در این پژوهش ابتدا دیدگاه دستوریان سنتی و زبان‌شناسان و طبقه‌بندی‌های فعلی آنان بیان شده است. سپس، چارچوب نظری تحقیق و طبقه‌بندی افعال در دستور نقش و ارجاع ارائه گردیده است. در ادامه چگونگی انجام پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و نتیجه‌گیری بیان شده است.

۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

خانلری (۱۳۷۷: ۱۹) در تعریف فعل آورده است، فعل کلمه‌ای است که سه مفهوم کار یا حالت، زمان و شخص را در برداشته باشد. در همین راستا محمدجواد شریعت (۱۳۷۱: ۱۲۶) در تعریف فعل، آن را کلمه‌ای می‌داند که بر انجام کار یا حالت کسی یا چیزی در یکی از زمان‌های حال، گذشته و آینده دلالت کند. وی وجود عناصر شخص و عدد را علاوه بر کار و حالت در بررسی معنای فعل، لازم می‌داند. به اعتقاد گیوی و انوری (۱۳۷۳: ۲۳-۲۱) فعل برای انجام دادن یا انجام گرفتن کاری، واقع شدن کاری برکسی یا چیزی، پذیرفتن حالتی یا صفتی و یا نسبت دادن صفتی به کسی یا چیزی دلالت دارد. همچنین در فعل، شخص، عدد و زمان هم وجود دارد. سلطانی (۱۳۶۸) در تعریف فعل آورده است، مفاهیمی مانند حرکت، حالت، شخص، زمان و عدد در فعل وجود دارند و با این توصیف کلمه‌هایی مانند مصدر، صفت فاعلی و مفعولی، اسم مصدر و غیره جزء فعل‌ها نیستند زیرا عناصر حالت، شخص، عدد و زمان در این مقولات وجود

ندارد. در دستور زبان فارسی پنج استاد (قریب، بهار، فروزانفر، همائی و یاسی، ۱۳۸۰: ۱۳۳) در تعریف فعل چنین آمده است که یکی از اقسام نه‌گانه کلمه، فعل (کنش) است که کلمه‌ای است که بر شدن یا بودن یا انجام کاری در یکی از سه زمان حال، گذشته و آینده دلالت کند.

گیوی و انوری (۱۳۷۳: ۶۵-۶۶) افعال را از نظر معنی به دو گروه لازم (ناگذر) و متعدی (گذرا) تقسیم نموده‌اند و فعل لازم را فعلی می‌دانند که به مفعول نیاز ندارد و بدون مفعول معنای جمله درست است. آنان درباره فعل متعدی آورده‌اند اگر فعلی بدون مفعول معنای آن تمام نشود و یا به مفعول نیاز داشته باشد فعل متعدی یا گذرا نامیده می‌شود. دستور زبان فارسی پنج استاد (قریب و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۷۰) فعل را از لحاظ مفعول‌پذیری به سه گروه لازم، متعدی و دو وجهی (هم لازم و هم متعدی) تقسیم کرده است. گیوی و انوری (۱۳۷۱: ۲۸-۲۹) فعل‌های زبان فارسی را از جهت ساختمان فعل به دسته‌های ساده، پیشوندی، مرکب، پیشوندی مرکب، عبارتهای فعلی (مانند برپاکردن؛ از سرگرفتن) و فعل‌های لازم یک‌شخصه (فعلی که نمی‌تواند مفعول داشته باشد و فقط به صورت سوم شخص به کار می‌رود (مانند خوشم آمد) طبقه‌بندی کرده‌اند. وحیدیان کامیار (۱۳۹۲: ۵۶) ساختمان فعل را از نظر اجزاء تشکیل دهنده به سه نوع فعل ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم کرده است.

طبقه‌بندی افعال از دیدگاه نمود، مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. مقوله دستوری نمود بیانگر شیوه‌های مختلف نگرش به ساختار زمانی درون فعل است که به دو صورت نمود دستوری و نمود واژگانی در جمله بیان می‌شود (رضایی، ۱۳۹۱ الف).

نمود دستوری به وسیله عناصر تصریفی مانند، پیشوند "همی" یا "می" در فعل که نشان دهنده استمرار فعل است و یا با فعل کمکی تظاهر پیدا می‌کند در حالی که نمود واژگانی مربوط به خصوصیات و ویژگی‌های معنایی افعال است و روند انجام فعل از لحاظ استمرار، تکرار و تداوم را نشان می‌دهد.

وحیدیان کامیار (۱۳۹۲: ۵۵) نمود را نحوه انجام گرفتن فعل از نظر شروع و پایان یا استمرار می‌داند. وی معتقد است فعل در زبان فارسی فقط نمود استمراری دارد. البته این نمود در فارسی گفتاری به کار می‌رود اما در فارسی نوشتاری کم و بیش کاربرد داشته و دارای سه ساخت ماضی مستمر، ماضی مستمر نقلی و مضارع مستمر است.

نمود واژگانی در مجموع به دو نمود ایستا (مانند ارزیادن) و پویا (مانند دیدن) قابل تفکیک است و افعال پویا به دو گروه افعال لحظه‌ای و افعال تداومی تقسیم می‌شوند (ابوالحسنی، ۱۳۹۰).

جهان‌پناه (۱۳۶۳) نمود واژگانی افعال پویا را به دو دسته افعال لحظه‌ای (مانند افتادن، نشستن) و افعال تداومی (مانند خوردن، باختن) تقسیم نموده است. وی معتقد است که افعال لحظه‌ای بر حالات و اعمال لحظه‌ای دلالت دارند، در حالی که افعال تداومی (پایا) بیانگر حالات و اعمالی هستند که با تداوم همراهند و ابتدا و انتهایشان مد نظر نیست.

وحیدیان کامیار (۱۳۹۲: ۵۷) به نوع سومی از نمود واژگانی افعال پویا با عنوان لحظه‌ای، تداومی اشاره کرده است. افعالی مانند خوابیدن، ایستادن، ماندن، چسبیدن به این گروه تعلق دارند. به اعتقاد وی برخی از اعمال در یک لحظه اتفاق می‌افتند اما پایان نمی‌یابند بلکه ادامه پیدا می‌کنند.

بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع / ۱۱۹۵

وندلر (۱۹۵۷) براساس ویژگی‌های افعال در ارتباط با مقوله زمان، آنها را طبقه‌بندی کرده است. وی چهار دسته از افعال را براساس محدودیت‌هایشان در ارتباط با قیده‌های زمانی، زمان دستوری، تضمن معنایی از هم متمایز کرده است. وندلر این افعال را به ترتیب ایستا، کنشی، پایا (تداومی) و لحظه‌ای معرفی نمود. بسیاری از زبان‌شناسان در طبقه‌بندی‌های فعلی خود از دسته بندی افعال وندلر بهره بردند. دوتی (۱۹۷۹) افعال انگلیسی را براساس مقولات چهارگانه وندلر طبقه‌بندی نمود. او برای هر طبقه فعلی آزمون‌هایی ارائه داد که پاسخ هر کدام از آنها به تشخیص تعیین طبقه فعلی کمک می‌کرد. (رضایی، ۱۳۹۱ ب)

۳. دستور نقش و ارجاع

نظریه دستور نقش و ارجاع در کتاب "بررسی سطح مشترک نحوی و معنایی" توسط رابرت دی و ون‌ولین (۲۰۰۵) ارائه شد. همچنین در معرفی چارچوب نظری این دستور از کتاب «نحو، ساختار، معنی و نقش» نوشته شده توسط ون‌ولین، رندی جی و لاپولا (۱۹۹۷) استفاده شده است. این دستور جزء دستورهای نقش گراست و تحلیل واضحی از سطوح نحوی معنایی و کاربرد شناسی و چگونگی روابط میان آنها در زبان‌های مختلف ارائه می‌دهد. آن چه دستور نقش و ارجاع را از رویکردهای صورت‌گرا متمایز می‌کند آن است که ساختار آن با ارجاع، معنی و نقش ارتباطی قابل درک و توصیف است (پهلوان نژاد، ۱۳۹۱).

دستور نقش و ارجاع نظریه نقش‌گرای میانه زو است. در این نظریه دستوری، نحو نه مانند دستور زایشی خودمختار است و نه همانند معنی‌شناسی زایشی با معنی‌شناسی یکسان است. این دستور، انتقادهای اساسی بر دستور زایشی چامسکی درباره همگانی‌ها وارد کرده از جمله آنکه برخلاف دستور زایشی چامسکی که برای جمله دو سطح نحوی ژرف ساخت و روساخت قابل است ساخت نحوی در این دستور تک لایه ای است. ساخت نحوی با ساخت معنایی ترکیب می‌شود و اساسی‌ترین بخش جمله، ساخت معنایی است و هسته اصلی جمله، فعل می‌باشد. بنابراین در جمله فعل‌ها نقش اساسی دارند (رضایی، ۱۳۹۱ ب).

در دستور نقش و ارجاع، افعال بیانگر حالات، کارها و امور انجام گرفته در جهان واقعی هستند، پس هر حالتی توسط نوع خاصی از فعل نشان داده می‌شود و هنگامی که از نوع فعل سخن می‌گوییم در واقع به نوعی حالت، اشاره داریم. همچنین در دستور نقش و ارجاع، جمله دارای یک سطح منفرد بازنمایی نحوی است که به طور مستقیم بازنمایی معنایی آن جمله مشخص می‌شود. (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۷۷: ۸۷)

آزمون‌های نحوی و معنایی طراحی شده توسط ون‌ولین و لاپولا (۱۹۷۷) و ون‌ولین (۲۰۰۵) مشهورترین آزمون‌هایی هستند که در اکثر زبانها برای طبقه‌بندی افعال به کار می‌روند. در دستور نقش و ارجاع شکل کنش‌شان‌دهنده ویژگی‌های زمانی ذاتی فعل‌هاست. در این دستور افعال به چهار طبقه ایستا، کنشی، لحظه‌ای و پایا طبقه‌بندی شده‌اند. نمونه‌هایی از افعال انگلیسی در طبقات چهارگانه فوق توسط فولی و ون‌ولین (۱۹۸۴) گردآوری شده است.

در دستور نقش و ارجاع، پنج آزمون برای تعیین نوع کنش افعال ارائه شده است. این آزمون‌های نحوی و معنایی عبارتند از:

- ۱- شکل استمراری^۴ افعال، این آزمون می‌تواند افعال ایستا، گذرا را از نوع تداومی و کنشی متمایز کند.
 - ۲- قیدهای "به شدت"^۵ و "با جدیت"^۶. می‌توانند فقط با افعال کنشی به‌کار روند. این قیدها ملاک تمایز افعال ایستا، گذرا و تداومی از افعال کنشی هستند.
 - ۳- قیدهای "آهسته" و "به سرعت" با افعال کنشی به‌کار می‌روند. با این آزمون افعال ایستا و گذرا از نوع تداومی و کنشی متمایز می‌شوند.
 - ۴- عبارت قیدی زمان "به مدت، برای یک ساعت" و "یک ساعت" با افعال کنشی به‌کار می‌روند. این عبارت‌ها وجه تمایز افعال ایستا و کنشی از افعال تداومی و گذرا می‌باشند.
 - ۵- عبارت قیدی زمان "در یک ساعت" با افعال کنشی به‌کار نمی‌رود. در واقع این عبارت قیدی زمان، وجه تمایز افعال تداومی از افعال ایستا، لحظه‌ای و کنشی است. (ون‌ولین، ۲۰۰۵)
- طبقه‌بندی افعال براساس نمود واژگانی، در حقیقت به ساختار معنایی افعال واژگانی برمی‌گردد. به عبارت دیگر در نمود واژگانی، مفهوم نمود از معنی فعل ناشی می‌شود و وضعیت فعل و موقعیت آن از لحاظ روند انجام گرفتن معین می‌شود.
- در دستور نقش و ارجاع، افعال به چهار گروه ایستا، پایا، لحظه‌ای و کنشی تقسیم‌بندی شده‌اند. افعال ایستا، افعالی هستند که بیانگر کنش خاصی نیستند و بیشتر نشان‌دهنده احساسات درونی، عواطف و شرایط و ویژگی‌هایی می‌باشند که حالات روان شناختی و مالکیت را می‌رسانند. همچنین افعال ایستا محدودیت زمانی ندارند و به عبارت دیگر نمود پایانی ندارند. پیوی (۲۰۱۰) معتقد است افعال ایستا از نظر ماهیت معنایی، قابلیت استمراری ندارند و این دسته از افعال که شامل افعال حسی، عاطفی و ملکی می‌باشند در بسیاری از زبان‌های جهان فاقد صورت استمراری‌اند (رضایی، ۱۳۹۱ ب).
- افعال پایا (تداومی) افعالی هستند که دارای حالت بوده و بیانگر حالات و یا اعمالی هستند که با تداوم همراه هستند. افعال لحظه‌ای، در یک لحظه رخ می‌دهند و به پایان می‌رسند. دسته چهارم، افعال حرکتی (کنشی)، افعالی هستند که بیانگر کنش بوده و به مراحل نیاز دارند که این مراحل یکی پس از دیگری انجام می‌گیرند.
- از آنجا که هدف از انجام این پژوهش، شناسایی ویژگی‌های نحوی و معنایی افعال کنشی و تهیه مجموعه‌ای از این افعال در زبان فارسی است، آزمون‌های نحوی و معنایی دستور نقش و ارجاع ملاک بررسی و تحلیل افعال زبان فارسی قرار گرفته است.
- شرکت‌کنندگان در این پژوهش تعداد ۵۰ نفر از دبیران ادبیات فارسی آموزش و پرورش ناحیه ۱ رشت هستند که دارای میانگین سابقه تدریس بین ۱۵ تا ۲۸ سال و مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان ادبیات فارسی هستند. علت انتخاب این گروه از گویشوران زبان فارسی به عنوان آزمودنی‌های پژوهش تسلط بیشتر آنها به قواعد دستوری و جمله‌بندی در زبان فارسی بوده است.

⁴ progressive form

⁵ vigorously

⁶ actively

براساس ۵ آزمون نحوی و معنایی موجود در دستور نقش و ارجاع، چک لیستی که شامل ۹ قسمت یا عبارت بوده تهیه شد و از گروه شرکت کنندگان در پژوهش خواسته شد تا به عبارتهای خواسته شده در چک لیست، یک جمله کامل بسازند. مهمترین عناوین خواسته شده عبارت بودند از استفاده از ساخت استمراری، استفاده از قیده‌های "آهسته" و "به سرعت"، استفاده از قیده‌های زمانی "به مدت یک ساعت" و "یک ساعت" و "در یک ساعت". همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شمّ زمانی نگارندگان به عنوان گویشوران زبان فارسی در تعیین افعال کنشی استفاده شده است.

نقش معنایی در دستور نقش و ارجاع در سه سطح کلی مورد بررسی قرار گرفته است. سطح اول به آنچه که نقش‌های معنایی خاص فعل نامیده می‌شود، مربوط است مانند دونده، شنونده، کشنده. سطح دوم روابط معنایی است که در نقش‌های خاص مانند کنشگر، کنش‌پذیر، کنش‌رو و تجربه‌گر و دریافت‌گر عمومیت دارد. سطح سوم نقش‌های معنایی تعمیم یافته‌اند^۷ که آنها را کلان نقش‌های معنایی^۸ می‌نامند. این کلان نقش‌ها که شامل عامل^۹ و کنش‌پذیرمی‌باشند، برای اولین بار در دستور نقش و ارجاع معرفی شده و همگانی‌اند و مختص به یک زبان نیستند. کلان نقش معنایی عامل؛ نقش‌های کنش‌گر^{۱۰}، تجربه‌گر^{۱۱}، ابزار^{۱۲} را در برمی‌گیرد، در حالی که کلان نقش معنایی کنش‌پذیر؛ روابط معنایی کنش‌پذیر، کنش‌رو^{۱۳}، دریافت‌گر^{۱۴} را در بردارد (ون ولین، ۲۰۰۵).

نقش‌های فاعل و مفعول در دستورهای سنتی و دستور نقش و ارجاع انطباق ندارند. جملات زیر این موضوع را نشان می‌دهند. (الف) علی شیشه را شکست. (ب) شیشه شکست.

در جمله (الف) "علی" عامل و فاعل است و "شیشه" کنش‌پذیر و مفعول است. اما در جمله (ب) "شیشه" با آنکه در نقش اثرپذیر ظاهر شده است، فاعل نیز هست. این نقش‌ها در ارتباط ساخت نحوی و معنایی جمله بسیار اهمیت دارند و فرایندهای دستوری و حالت‌های گذرائی و حالت‌پذیری از این طریق قابل توجیه است. در دستور نقش و ارجاع فاعل می‌تواند اثرگذار، ابزار و دریافت‌گر باشد در حالی که مفعول می‌تواند کنش‌پذیر، کنش‌رو، دریافت‌گر و منبع باشد (پهلوان‌نژاد، ۱۳۹۱).

۴. عدم انطباق حالت گذرائی (متعدی) نحوی و معنایی در افعال کنشی

دستور نقش و ارجاع با بهره‌گیری از انگاره دوتی (۱۹۷۹) برای فعل‌های کنشی ساختار منطقی^{۱۵} زیر را ارائه

نموده است.

$do' (x, [predicate(x \text{ or } (x, y))])$

⁷ generalized semantic roles

⁸ macro roles

⁹ actor

¹⁰ agent

¹¹ experiencer

¹² Patient

¹³ theme

¹⁴ recipient

¹⁵ logical structure

این ساختار منطقی نشان می‌دهد که افعال کنشی ممکن است دارای یک موضوع یا دو موضوع کانونی باشند (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷). به عنوان مثال، فعل "خوردن" در جمله "مریم غذا خورد." دارای ساختار منطقی زیر می‌باشد.

([(غذا ، مریم) ، خوردن] ، مریم) do'

از دیدگاه سنتی، متعدی (حالت گذرایی) بودن فعل است برحسب تعداد موضوع‌هایی که فعل آشکارا، در ساخت نحوی می‌گیرد. اما دستور نقش و ارجاع بین حالت گذرایی فعل در ساخت نحوی و معنایی تمایز قایل است. در این دستور، ظرفیت نحوی فعل مربوط است به تعداد موضوع‌های نحوی - واژی که آن فعل می‌گیرد، در حالی که ظرفیت معنایی فعل، تعداد موضوع‌های معنایی است که آن فعل می‌تواند بگیرد. به عبارت دیگر حالت گذرایی افعال به تعداد کلان نقش‌های معنایی که افعال می‌گیرند بستگی دارد (ون‌ولین و لاپولا، ۱۹۹۷).

براساس ساختار منطقی ارائه شده در این دستور، بعضی از افعال کنشی دارای یک موضوع هستند مانند فعل "دویدن" در جمله "علی می‌دود." که در آن "دویدن" یک فعل لازم محسوب می‌شود. اما در بعضی از افعال کنشی مانند فعل‌های ساختن، نوشتن (افعال خلاقیت) و یا فعل‌هایی مانند خوردن، سیگار کشیدن، نوشیدن (افعال مصرفی) و فعل‌هایی مانند خواندن، ازبرکردن (افعال نمایشی و اجرا) ممکن است دو موضوع در ساختار خود بگیرند. ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) معتقدند وقتی موضوع دوم یک فعل کنشی دوظرفیتی غیرارجایی باشد، آن فعل تعبیر کنشی دارد اما اگر این افعال یک موضوع دوم ارجاعی بگیرند، تبدیل به افعال تداومی می‌شوند و در آن صورت تعبیر کنشی - پایا خواهند داشت. بنابراین آنها به چهار طبقه اساسی افعال، طبقه کنشی - پایا را افزودند. در حقیقت کاربرد مفهوم نهایت‌پذیری برای افعال کنشی آنها را تبدیل به افعال تداومی می‌کند. به عنوان مثال در جملات زیر:

(ج) علی ماهی خورد. (د) علی ماهی را خورد.

عمل "خوردن" ماهی در جمله (ج) هیچ مرز زمانی ذاتی ندارد اما در جمله (د) اگر ماهی تمام شده باشد عمل خوردن تمام شده است. مطابق نظر ون‌ولین (۲۰۰۵) موضوع‌های دوم غیرارجایی افعال کنشی مانند فعل "خوردن" موضوع‌های ذاتی‌اند که جنبه ذاتی معنای فعل را بیان می‌کنند. ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) این تفاوت میان "فعل خوردن" در دو جمله متفاوت را نشانه و دلیلی بر تناوب نوع کنش فعل و عدم انطباق حالت گذرایی نحوی و معنایی در نظر می‌گیرند (رضایی، ۲۰۱۲).

۵. تفاوت میان موضوع‌های ارجاعی و غیرارجاعی در افعال کنشی

بین موضوع‌های ارجاعی و موضوع‌های غیرارجاعی در افعال کنشی تفاوت وجود دارد. اولین تفاوت آن است که موضوع‌های غیرارجاعی نمی‌توانند از فعل جدا شوند. در حالی که موضوع‌های ارجاعی به راحتی می‌توانند از فعل جدا شوند (دبیرمقدم ۱۳۸۴: ۱۷۴). ماهوتیان (۱۹۹۷: ۶) معتقد است وقتی عبارت حرف اضافه‌ای در جمله وجود دارد معمولاً حرف اضافه میان فاعل و مفعول مستقیم قرار می‌گیرد. اما اگر مفعول مستقیم مشخص باشد، ممکن است در نظم و ترتیب جمله تنوع به‌وجود بیاید.

تفاوت دوم میان موضوع‌های ارجاعی و موضوع‌های غیرارجاعی، کاربرد آنها در ساخت هم‌پایه است. موضوع‌های غیرارجاعی افعال کنشی نمی‌توانند در ساخت هم‌پایه بکار روند. جملات زیر گویای این مطلب است:

(ج) من یک نامه و این مقاله را نوشتم.

(د) من نامه و مقاله نوشتم.

(ه) * من نامه را و مقاله نوشتم.

وجود علامت ستاره و غیردستوری بودن جمله (ه) بیانگر آن است که موضوع فعل "نوشتن" ساختار معنایی یکسانی ندارد و یکی از آنها ارجاعی یعنی "نامه" و دیگری غیرارجاعی است یعنی "مقاله". در جمله (ج) هر دو موضوع، ارجاعی و در جمله (د) هر دو موضوع غیرارجاعی است.

تفاوت سوم میان موضوع‌های ارجاعی و غیرارجاعی آن است که موضوع‌های غیرارجاعی مفعول نیستند، بلکه موضوع‌های ذاتی افعال کنشی هستند. کریمی (۲۰۰۱) معتقد است مفعول غیرخاص / غیرارجاعی قسمتی از توصیف محمول است یعنی قسمتی از رویداد است نه دخیل در رویداد (رضایی ۲۰۱۴).

همچنانکه می‌دانیم زبان فارسی دارای نظم و ترتیب SOV در ساختار جملات است اما در جملات متعدی (گذرا) مفعول مستقیم ممکن است در بند آغازین جمله بیاید و نقش مبتدا داشته باشد (ماهوتیان ۱۹۹۷ و دبیر مقدم ۱۳۸۴).

این تنوع در ترتیب کلمات در جملاتی که مفعول‌های ارجاعی دارند امکان‌پذیر بوده، اما در جملاتی که مفعول‌های غیرارجاعی (موضوع‌های غیرارجاعی) دارند، امکان‌پذیر نیست.

دبیرمقدم (۱۳۸۴: ۱۷۴ و ۱۷۵) در استنباط خود از فعل‌های مرکب فارسی، به موضوع‌های غیرارجاعی اشاره نموده است. اگرچه هیچ تمایزی میان طبقات مختلف فعل بیان نکرده است. وی به موضوع‌های دوم بعضی از افعال (افعال کنشی) به عنوان مفعول‌های غیرارجاعی اشاره نموده و معتقد است که در زبان فارسی ترکیب مفعول مستقیم در فعل مجاز است. بر اثر عملکرد فرایند انضمام ساخت موضوعی^{۱۶} فعل دگرگون می‌شود. بدین ترتیب که فرایند انضمام، فعل متعدی را با انفصال مفعول صریح آن به فعل لازم تبدیل می‌کند. به این معنا که مفعول مستقیم ممکن است نشانه‌های ارجاعی خود را از دست بدهد و به فعل منضم شود و فعل مرکب لازم (ناگذر) ایجاد نماید. مانند: الف) بچه‌ها غذایشان را خوردند. ب) بچه‌ها غذا خوردند.

درجمله (الف) غذا یک موضوع ارجاعی است و مفعول مستقیم فعل محسوب می‌شود. اما درجمله (ب) غذا به هیچ نوع خاصی ارجاع داده نشده و نشان ارجاعی خود یعنی پس اضافه "را" را از دست داده و به فعل خوردن منضم شده است.

همان‌طور که دبیرمقدم (۱۳۸۴) اشاره کرده است، فعل‌های مرکب تشکیل شده از انضمام، بطور نظام‌مند لازم یا "ناگذر" هستند. این مطلب نشان می‌دهد که موضوع‌های منضم شده، موضوع‌های معنایی نیستند بلکه موضوع ذاتی فعل هستند. بنابراین فعل‌های کنشی دو ظرفیتی که دارای موضوع‌های غیرارجاعی هستند به عنوان افعال لازم محسوب

¹⁶ argument structure

می‌شوند زیرا در ساختار منطقی‌شان فقط یک موضوع دارند. به نظر می‌رسد که دیدگاه دبیرمقدم با ادعای ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) هماهنگی دارد. آنها معتقدند که موضوع دوم افعال کنشی دو ظرفیتی ضرورتاً غیرارجاعی‌اند. بنابراین یک ارزش غیرکلان نقشی می‌گیرند. از طرف دیگر این مطلب با اصل اعمال کلان نقش معنایی که بر طبق آن یک فعل با دو موضوع در ساختار منطقی خود معمولاً دو کلان نقش عامل و کنش‌پذیر می‌گیرد، در تضاد است. ون ولین و لاپولا این تضاد را دلیل برای این امر می‌دانند که موضوع دوم یک فعل کنشی، کنش‌پذیر نبوده بلکه یک موضوع کانونی غیرکلان نقشی است. کنش‌پذیرها باید ارجاعی باشند زیرا به دخیلی که اساساً مربوط به وضعیت‌های مشخص است، مربوط می‌شوند و به عبارت دیگر دخیل در رویدادند. (رضایی، ۲۰۱۴)

۶. یافته‌ها

هدف اصلی این پژوهش، بررسی افعال کنشی (حرکتی) زبان فارسی است. با توجه به معیار آزمون‌های نحوی و معنایی دستور نقش و ارجاع، داده‌های تحقیق که همان جملات ساخته شده توسط شرکت‌کنندگان در پژوهش می‌باشد، بررسی شده است.

۱-۶ نتایج حاصل از اعمال آزمون ۱

آزمون اول دستور نقش و ارجاع به این نکته اشاره دارد که افعال کنشی به صورت استمراری به کار می‌روند. نشانه استمراری در زبان فارسی با عبارت‌های "در حال" و "مشغول" تظاهر پیدا می‌کند. بنابراین افعالی که با عبارت‌های فوق توسط شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ساخته شده‌اند عبارتند از:

گروه الف- افعال ساخته شده با عبارت "در حال": پاسخ دادن- درس دادن- (غذا) خوردن- انجام دادن تکلیف - (درس) خواندن- نوشتن - مطالعه کردن- یادگرفتن- رفتن- آماده شدن- تحصیل کردن- عبادت کردن- تماشا کردن- (غذا) درست کردن- بازی کردن- تمرین کردن- قدم زدن- آماده شدن- آشپزی کردن- رانندگی کردن- تکمیل کردن- تعمیر کردن.

گروه ب: افعالی که با عبارت "مشغول" به کار رفته‌اند: تحصیل کردن- تکلیف انجام دادن- (غذا) پختن- پاسخ دادن- کار کردن- مطالعه کردن- تماشا کردن- (درس) خواندن- دوختن- یادگرفتن- صحبت کردن- نوشتن- تهیه کردن- بازی کردن- ساختن- تمیز کردن- بحث کردن- امتحان دادن- آشپزی کردن- تعمیر کردن- درست کردن- گوش دادن- درس دادن- آموختن- جمع آوری کردن- ورزش کردن

۲-۶ نتایج حاصل از آزمون دوم دستور نقش و ارجاع

آزمون دوم دستور نقش و ارجاع کاربرد افعال کنشی با قیدهایی "به شدت" و "با جدیت" می‌باشد. افعال زیر از جملات ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان در پژوهش به دست آمده است.

گروه الف: افعالی که با قید "به شدت" به کار رفته‌اند: عجله کردن- اهمیت دادن- باریدن (باران)- سرما خوردن- مطالعه کردن- تلاش کردن- درس خواندن- بمباران کردن- سردرد گرفتن- برخورد کردن (تصادف کردن)- دعوا کردن - تحت تأثیر قرار گرفتن - ترسیدن- زخمی شدن- رنج کشیدن- تبیدن - عبور کردن

بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع / ۱۲۰۱

نکته قابل توجه آن است که در طبقه‌بندی که توسط ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) برای افعال انگلیسی انجام شده است، نشان داده شده که افعال ایستا، پایا و لحظه‌ای با قیده‌های "به شدت" و "با جدیت" به کار نمی‌روند، در حالیکه در نمونه‌های ارائه شده توسط گویشوران فارسی زبان بعضی از افعال ایستا با قید "به شدت" به کار رفته‌اند.

این افعال عبارتند از: مریض بودن/ شدن - سرد بودن/ شدن - بیزار بودن/ متنفر بودن - دوست داشتن - دچار استرس شدن - ناراحت شدن - مخالف بودن - گرفتار/ درگیر بودن - صادق بودن - علاقه داشتن/ علاقه‌مند بودن - نگران/ عصبانی بودن - وابسته بودن - ناراضی بودن - خسته شدن - گرسنه بودن

رضایی (۱۳۹۱ب) در مقاله خود در معرفی افعال ایستا آورده است که قیدهایی مانند "به شدت" با فعل‌های غیرپویایی مانند افعال ایستا به کار نمی‌رود. وی جمله "من مادرم را به شدت دوست دارم." را غیرقابل قبول می‌داند، در حالی که گویشوران فارسی زبان این پژوهش تعدادی از افعال ایستا را با عبارت "به شدت" در جمله بندی‌های خود به کار برده‌اند مانند:

(۱) من به شدت موسیقی را دوست دارم.

(۲) من به شدت به انگلیسی علاقه‌مندم.

گروه ب: افعالی که با قید "با جدیت" به کار رفته‌اند: درس دادن - تلاش کردن - برخورد کردن - رفتار کردن - انجام دادن (کاری) - سروسامان دادن - (درس) خواندن - دنبال کردن - صحبت کردن/ حرف زدن - سخن گفتن - مطرح کردن - ادامه دادن - تحصیل کردن - حضور داشتن - تفسیر کردن - یاد گرفتن - پاسخ دادن - رسیدگی کردن - کار کردن - اعلام کردن - پرداختن (به کاری) - مطالعه کردن - بحث کردن - شروع کردن - توجه کردن - تقسیم کردن - تماشا کردن - به پایان رساندن - نگاه کردن - حرکت کردن

۳-۶ نتایج حاصل از اعمال آزمون ۳ دستور نقش و ارجاع

آزمون سوم دستور نقش و ارجاع برای تعیین افعال کنشی استفاده از قیده‌های "به سرعت" و "آهسته" می‌باشد که می‌تواند ملاک تمایز افعال ایستا و لحظه‌ای از نوع کنشی و تداومی باشد. افعال استخراج شده از جملات شرکت کنندگان در این پژوهش عبارتند از:

گروه الف: جملات تولید شده با قید "آهسته": قدم زدن - (غذا) خوردن - صحبت کردن - رانندگی کردن - رسیدگی کردن - راه رفتن - خزیدن - پیشرفت کردن - خواندن - پیاده‌روی کردن - بازی کردن - حرف زدن - سخن گفتن - مطالعه کردن - گام برداشتن - زمزمه کردن - باریدن (باران) - ادامه دادن - پیش بردن - آمدن - حرکت کردن

گروه ب: کاربرد افعال کنشی با قید "به سرعت": لباس پوشیدن - سپری شدن/ گذشتن - انجام دادن - دویدن - رسیدن/ رساندن - عبور کردن/ رد شدن - جلو زدن - آمدن - کار کردن - راه رفتن - رانندگی کردن - تصمیم گرفتن - ترک کردن - حرف زدن/ صحبت کردن - فرا گرفتن - رفتن - ذوب شدن - پیمودن/ طی کردن - جمع کردن - برگشتن - حل کردن - خارج شدن - آماده کردن/ شدن - پیشرفت کردن - دور شدن - به پیش رفتن - جواب دادن - برداشتن - تمام شدن

۴-۶ نتایج حاصل از آزمون ۴ دستور نقش ارجاع

آزمون چهارم دستور نقش و ارجاع، کاربرد افعال کنشی با قیده‌های زمان "برای / مدت یک ساعت" و "یک ساعت" می‌باشد. این قیده‌ها می‌توانند با افعال کنشی و پایا به کار روند. در واقع این قیده‌ها با افعالی بکار می‌روند که برای به انجام رسیدن به یک مدت زمانی نیاز دارند بنابراین با افعال لحظه‌ای به کار نمی‌روند.

گروه الف: افعالی که با عبارت‌های "به مدت / برای یک ساعت" به کار رفته‌اند: مطالعه کردن - (درس) خواندن - استراحت کردن - انجام دادن (کاری) - ملاقات کردن - پرداختن (به کاری) - طول کشیدن - منتظر ماندن - پیاده روی کردن - مرخصی گرفتن - ورزش کردن - صرف کردن (وقت) - حضور داشتن - ماندن - اقامت داشتن - نشستن - بیکار بودن / وقت آزاد داشتن - تمرین کردن - در سفر بودن - یاد گرفتن - درگیر بودن (در کاری) - صحبت کردن - خوابیدن - عبادت کردن - نیایش کردن

گروه ب: افعالی که با عبارت "یک ساعت" بکار رفته‌اند: ورزش کردن - استراحت کردن - صرف کردن (وقت) - منتظر ماندن - انجام دادن (کاری) - آماده کردن - خوابیدن - دیر رسیدن - مطالعه کردن - تماشا کردن - طول کشیدن - عبادت کردن - خواندن - ملاقات کردن - فراگرفتن - کار کردن - ماندن / اقامت کردن - تأخیر داشتن - قدم زدن - گوش دادن - مرخصی گرفتن - یاد گرفتن - درس دادن - حرف زدن - نیاز داشتن (وقت)

لازم به ذکر است که این قیده‌ها با بعضی از افعال ایستا مانند "فکر کردن" و "بودن" به کار می‌روند و جملات دستوری تولید می‌کنند مانند: "ما به مدت یک ساعت در مدرسه بودیم". یا "من یک ساعت روی آن مسئله فکر کردم".

۵-۶ نتایج حاصل از آزمون ۵ دستور نقش و ارجاع

آزمون پنجم دستور نقش و ارجاع در واقع وجه تمایز افعال تداومی با افعال کنشی، ایستا و لحظه‌ای است. در حقیقت افعال کنشی با عبارت "در یک ساعت" به کار نمی‌روند و در صورت کاربرد جملات غیر دستوری تولید می‌شود مانند: * "من در یک ساعت دویدم." و * "من در یک ساعت نامه نوشتم."

افعال ایستا و لحظه‌ای نیز با این قید به کار نمی‌روند.

افعالی که توسط شرکت کنندگان در این پژوهش با عبارت "در یک ساعت" تولید شده‌اند عبارتند از:

نوشتن - یاد گرفتن - طی کردن / پیمودن - انجام دادن - تمیز کردن - پختن (غذا) - بافتن - خواندن - یاد دادن - خلاصه کردن - آموختن - تمام کردن / به پایان رساندن - پاسخ دادن.

۷. نتیجه گیری

در این پژوهش افعال کنشی (حرکتی) زبان فارسی بر پایه دستور نقش و ارجاع مورد بررسی قرار گرفتند. برای تعیین افعال کنشی زبان فارسی از آزمون‌های نحوی و معنایی ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) و ون ولین (۲۰۰۵) استفاده شد. به این ترتیب که ملاک‌های پندگانه این آزمون در قالب نه عبارت در چک لیستی آماده شد و در اختیار ۵۰ نفر از شرکت کنندگان در پژوهش قرار گرفت تا با آن عبارت‌ها، جملات کامل بسازند. با تجزیه و تحلیل داده‌ها و استفاده از شم زبانی نگارندگان مشخص شد که افعال کنشی زبان فارسی با ویژگیهای افعال کنشی در دستور نقش و ارجاع

بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع / ۱۲۰۳

هماهنگی دارد. در این پژوهش با استفاده از این آزمون‌ها، مجموعه‌ای از افعال کنشی زبان فارسی گردآوری شد. همچنین در پاسخ به سؤال دوم این پژوهش در مورد ویژگی‌های معنایی و ظرفیت پذیری افعال کنشی باید ذکر شود که ساختار منطقی افعال کنشی در دستور نقش و ارجاع به گونه‌ای است که این افعال می‌توانند یک یا دو موضوع در ساختار خود داشته باشند. اگر موضوع دوم در افعال کنشی از نوع موضوع‌های غیرارجاعی باشد، موضوع ذاتی فعل کنشی محسوب شده و دارای کلان نقش معنایی نخواهد بود. به عبارت دیگر، موضوع دوم غیرارجاعی افعال کنشی مفعول نیست زیرا نمی‌تواند از فعل جدا شود و به گفته کریمی (۲۰۰۱) مفعول‌های غیرارجاعی بخشی از توصیف محمول هستند و قسمتی از رویداد تلقی می‌شوند نه دخیل در رویداد و فرایند منضم شدن به فعل برای آنها امکان‌پذیر است. این تحلیل می‌تواند ادعای ون‌ولین و لاپولا (۱۹۹۷) را که معتقدند در بسیاری از زبان‌ها ممکن است موضوع ذاتی فعل به عنوان یک اسم منضم شده در نظر گرفته شود، اثبات کند. اما اگر موضوع دوم افعال کنشی دارای نشانگرهای ارجاعی مانند "را" باشد و یا نشانگر کمیت و مقدار مانند "یک" بگیرد، در این صورت آن فعل کنشی به افعال تداومی تبدیل می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از شرکت‌کنندگان در این پژوهش این مطلب را تأیید نموده و نشان داد که آزمون ۵ دستور نقش و ارجاع یعنی عبارت "در یک ساعت" برای افعال کنشی به کار نمی‌رود بلکه این آزمون با ویژگی‌های افعال پایا (تداومی) سازگار است.

منابع فارسی

- ۱) ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۰)، انواع نمود واژگانی در افعال فارسی. مجله ادب فارسی. دوره اول (۶)، ۱۰۱-۱۲۰.
- ۲) انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۱)، دستور زبان فارسی ۱. تهران: فاطمی
- ۳) انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۳)، دستور زبان فارسی ۲. تهران: فاطمی.
- ۴) پهلوان نژاد، محمدرضا و رسول پور، حسین (۱۳۹۱)، جملات مرکب در زبان فارسی برپایه نظریه دستور نقش و ارجاع. مجله زبان‌شناخت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره سوم (۱)، ۱-۲۵.
- ۵) جهان پناه تهرانی، سیمیندخت (۱۳۶۳)، فعل‌های لحظه‌ای و تداومی در زبان فارسی امروز. مجله زبان‌شناسی، دوره اول (۲)، ۶۴-۱۰۰.
- ۶) دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴)، فعل مرکب در زبان فارسی، مجموعه مقالات پژوهش‌های زبان‌شناختی، سومین کنفرانس زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷) رضایی، والی (۱۳۹۱)، نمود استمراری در فارسی معاصر، مجله فنون ادبی، دوره چهارم (۱)، ۷۹-۹۲.

۸) رضایی، والی (۱۳۹۱)، بررسی نحوی و معنایی فعل‌های ایستا در زبان فارسی، مجله زبان شناسی و گویش‌های خراسان. دوره چهارم (۲). ۳۸-۲۳.

۹) سلطانی گردفرامری، علی (۱۳۶۸)، *دستور زبان فارسی*. تهران: ناشر مؤلف.

۱۰) شریعت، محمدجواد (۱۳۷۱)، *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.

۱۱) غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴)، *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیاء کتاب.

۱۲) قریب، عبدالعظیم؛ بهار، ملک الشعراء؛ فروزانفر، بدیع الزمان؛ همائی، جلال؛ یاسمی، رشید. (۱۳۸۰)، *دستور زبان فارسی پنج استاد*. تهران: فردوس.

۱۳) خانلری، پرویز، (۱۳۷۷)، *دستور زبان فارسی (ویرایش سوم)*. تهران: توس.

۱۴) وحیدیان کامیار، تقی و علیرضا عمرانی (۱۳۹۲)، *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: سمت.

15. Lyons, John. (1986) *Semantics*. London: Cambridge university press.

16) Rezai, Vali. (2012) Two place Activity predicates in Persian. *Academy Publisher* manufactured in Finland, 2(9), 1828- 1834.

17. Vanvalin, Robert D. Jr.(2005) *Exploring the syntax- semantics Interface*. Cambridge : Cambridge university press.

18. Vanvalin, Robert D. Jr. and Randy J. Lafola. (1997). *Syntax: structure, meaning and Function*. Cambridge university press.